



تکوین و تشریع در الاهیات بالفعل و بالقوه؛ تفسیری از نسبت علم و دین

در چنین حالتی، شریعت متکفل بیان گزاره های رفتاری، اخلاقی و ارزشی انسان و حاکمیت آن بر کنش‌ها و کنش‌های اوست و عقل متکفل کشف الهیات تکوینی در آن رشته است. این شریعت و اعمال عقل برای کشف قوانین تکوینی عالم هر دو از دین و الهیات دینی بر می‌خیزد.

حکومت دینی هم بایستی مبتنی بر باید و نبایدهای فقه و اخلاق اسلامی باشد و هم این احکام باید به نحوی فهم و تبیین و تطبیق عینی بیاید که در عمل و خارج به عدالت ختم شود.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه _ محمد علی میرزایی: چیزی در عالم نیست؛ مگر اینکه الهی است یا تکویناً یا تشریعاً یا بالفعل والتکوین الهی است و یا بالقوه الهی است و می تواند الهی شود.

تمام قوانین عالم طبیعت الهی است. اینکه از بداهت سرچشمه دارد. کشف در گزاره های علمی عالم در واقع سیر در علم و فعل الهی است. در گزاره های قطعی طبیعت، دینی بودن و الهی بودن وصف حال و تکوین آنهاست. ما نقشی در الهی سازی نداریم، زیرا به اختیار و کنش انسانی چنین تکوینی نیافته اند. سرشت وجودی آنها الهی و دینی است، اما دسته دوم به اعمال انسان باز می گردد صرف نظر از حوزه های آن. در کنشهای انسانی در تمام عرصه ها، انسان یا در روند و مسیر الله است که کنش و حاصل فعل و منظومه های نظری و عملی او الهی و دینی است و یا در مسیر الله نیست که البته آن نگاه یا کنش غیر الهی است.

گاهی این الهی بودن در یک حوزه خاصی ممکن است الاهیتی دوگانه یابد. هم در تطابق با گزاره های تکوینی الهی است و هم در گزاره های تشریعی. هم مطابق هستی شناسی درست و واقعی سرشت و تکوین انسان است و هم کنش های انسانی در تطابق با احکام فقه و اخلاق است. در اینجا ما با دینی بودن یا الهی بودن دو بعدی مواجه هستیم؛ الاهیت تکوینی و تشریعی.

در چنین حالتی، شریعت متکفل بیان گزاره های رفتاری، اخلاقی و ارزشی انسان و حاکمیت آن بر کنش‌ها و کنش‌های اوست و عقل متکفل کشف الهیات تکوینی در آن رشته است. این شریعت و اعمال عقل برای کشف قوانین تکوینی عالم هر دو از دین و الهیات دینی بر می خیزد.

با این وصف الهی سازی طب و طبابت دو ساحتی است: ساحت اول ضرورت انطباق گزاره های آن با تکوین است. هر قدر آنها به احکام واقعی طبیعی و تکوینی نزدیکتر باشند فرصت ما برای الهی سازی طب بیشتر است. در نتیجه الاهیت و اسلامیت و دینی بودن طب در این بخش به کار علمی و عقلی و تجربی برای شناخت قوانین سرشته در ذات عالم تکوین است. شناخت بدن و کارکردها و قوانین حاکم بر بخشهای کلی و جزئی آن به صورت تجربی راه منحصر به فرد برای تحقق الاهیت و اسلامیت این بخش از طب است. بدون تطابق گزاره های ادعایی هستی شناختی توصیفی طب و بدن اصولا اسلامیت در آن ممکن نیست.

ساحت دوم: گزاره های اخلاقی و رفتاری حرفه پزشکی است. در اینجا نیز بخش دوم الاهیت و اسلامیت طب محقق می شود. با قدری تسامح می توان گفت در ساحت اول، علم طب چهره الاهی پیدا می کند و در بخش دوم طبیب به عنوان فرد دارای جهت های صدور رفتار و اخلاق و عمل در حین حرفه، اسلامی و الهی عمل می کند. طب اسلامی می شود و طبیب مسلمان.

با این حساب، طبیی اسلامی است که: هم گزاره های توصیفی آن با قوانین طبیعی عالم و آدم و سرشت الهی تکوین آفرینش همساز و همراه است و هم رفتار انسانی (طبیب و تمام کنشگران انسانی در حوزه طب) با نرم ها و ترازها و باید و نبایدهای اخلاقی و فقهی سازگاری و تطابق داشته باشد.

در تمام علوم دیگر چنین است، حتی در فقه به میزان حضور دو بال هستی شناسی و رفتاری می توان به فقه اسلامی و الهی رسید. مفهوم عدالت که از کانونی ترین مفاهیم ساحت باور، فقه و اخلاق است یک مفهوم بریده از تکوین نیست. عدالت در بیرون معنایی دارد، وضعیتی دارد. ما غالبا به حکم تکلیفی آن توجه داریم و از حکم وضعی آن غفلت می ورزیم.

اهمیت و ضرورت و وجوب آن از نظر فقه را گوشزد می کنیم در حالی که عدالت هم دو وجهی است. در ساحت تکوین و وضع و نیز ساحت رفتار و توصیه ارزشی هر دو متصور است. ممکن است کسی به روایت یا آیه ای عمل کند اما در بیرون و عینیت اجتماعی نتوان حاصل آن را عدالت نامید. فرض کنید که حکومت دینی را لازمه حکومت بدانیم و با هدف تحقق آن دست به ایجاد حکومت دینی بزنیم. حال اگر به دستورات دینی عمل کردیم و تشکیل دادیم آیا عدالت تحقق می یابد؟ البته که پاسخ، ضرورتاً مثبت نیست. در اینجا حکومت دینی هم بایستی مبتنی بر باید و نبایدهای فقه و اخلاق اسلامی باشد و هم این احکام باید به نحوی فهم و تبیین و تطبیق عینی بیابد که در عمل و خارج به عدالت ختم شود.

چنین اتفاقی زمانی می افتد که نگرش تکلیف و وضع در باب حکومت و عدالت همزمان و در کنار هم وجود داشته باشد. این همان اسلامیت حکومت در دو بعد تکوین (وضع سننی) و تشریع (باور، فقه و اخلاق) است. هیچ اسلامیت، الاهیت و دینیتی بدون همراهی عینی و ذهنی و توصیف تکوینی و توصیه تشریعی در هیچ عرصه ای تحقق پذیر نیست. چنانکه هیچ دانش و رفتاری در عالم زیست انسانی فاقد امکان بالقوه الاهی شدن و دینی سازی تکوینی و یا تشریعی نیست. در واقع هر آنچه در عالم است یا الاهی است و یا می تواند الاهی شود. هر آنچه خارج از اراده و تصمیم عالم انسانی است (عالم طبیعت) الاهی است و هر آنچه به رفتار آدمی باز می گردد می تواند الاهی باشد. چیزی در دنیای ما خارج از این دو نیست.